

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال سیزدهم - شماره ششم - شهریور ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۵۲

درآمدی بر انواع و چگونگی کاربرد نماد در شعر دفاع مقدس

(ص ۲۳۳-۲۱۳)

صدیقه رسولیان آرانی (نویسنده مسئول)؛^۲ محبوبه مباشری^۳

تاریخ دریافت مقاله: دی ۱۳۹۸ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: فروردین ۱۳۹۹

چکیده

«نماد» کلمه‌ای است که علاوه بر معنی ظاهری، طیف معنایی گسترده‌ای را به خواننده القا کند. به دلیل این که نماد ماهیت متنوع و رازآمیز دارد و نیز تحت تأثیر شرایط اجتماعی و سیاسی است، اهمیت آن در شعر معاصر و از جمله شعر دفاع مقدس بسیار زیاد است. بنابراین چگونگی و انواع نمادها، ویژگیها و کیفیت به کارگیری آنها در این حوزه شعری اهمیت فراوان دارد. این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی-تحلیلی جهت رسیدن به پاسخی قابل اعتماد برای این مسأله به بررسی نماد در هفده کنگره شعر دفاع مقدس و نیز اشعار برجستگانی چون سلمان هراتی، حسن حسینی و طاهره صفارزاده پرداخته است. نمادها در شعر دفاع مقدس، از نظر اجزا و عناصر تشکیل دهنده به دو گروه کلی نمادهای مرتبط با طبیعت و نمادهای غیرطبیعی و از جهت معنایی به دو دسته نمادهای سیاه و نمادهای سفید تقسیم میشوند؛ البته در این محدوده، تقابل معنایی و تحول و گسترش مفاهیم نمادها از ویژگیهای اصلی آنها به شمار می‌آید. کاربرد نماد در شعر دفاع مقدس نوعاً پیرو دو حالت است: یا شعر فضای نمادین ندارد و شاعر جهت غنای ادبی بیشتر، نماد را به کار می‌گیرد و یا فضای حاکم بر شعر، نمادین است؛ در این صورت برای رسیدن به معنا و تصویر درست از شعر، نمادها باید حتماً در ارتباط با هم در نظر گرفته شوند. نمادهای سفید در اشعار دفاع مقدس بسامد زیادی نسبت به نمادهای سیاه دارند (جهت القای معانی و مضامین مثبت) و برای تصویرسازی مفاهیم حول دو محور خیر و شر بسیاری از این نمادهای سفید در تقابل نمادهای سیاه یا در بافتی نمادین خلق میشوند و یا تحول معنایی پیدا میکنند.

کلیدواژه: نمادپردازی، شعر، پایداری، دفاع مقدس

۱- تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده‌اند.

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهرا (sedighehrasolian@yahoo.com)

۳- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهرا (mobasheri@alzahra.ac.ir)

Introduction to types and how to use the symbol of the Holy Defense Poetry

Sedigheh Rasolian(Corresponding author)^۱, Mahboobe Mobasheri^۲

Abstract

"Symbol" is a word that also means apparent to the reader the whole wide meaning and practice of using or how to apply, and processing concepts become the symbol of the "symbolism", said. One can be extended metaphor prayer with the difference that the symbol rather than a hidden meaning are faced with a range of meanings and also no evidence Sarfh. Because of the diverse nature and mysterious symbol has also been influenced by the social and political conditions, its importance in contemporary poetry and the poetry of sacred defense is very high. So the important thing is that we are faced with a variety of symbols, features and quality of their applications in the field of poetry. This study investigates to get reliable answers to this symbol in the seventeenth Congress of Sacred Defense poetry and the poetry greats such as Salman Harati, Hassan Hosseini and Tahereh Saffarzadeh. Symbols in the Sacred Defense poetry, the components and elements of the two groups of icons and symbols of the abnormal nature of the semantic divide into two symbols of black and white icons. Of course, in this context, as opposed to semantic and symbolic concepts of evolution and expansion of its main features are considered. Identify symbols and explore its implications for understanding poetry is very important and useful, so close to its categories (like metaphors that are similar to the symbol) identified and separated. Typically the application icon in the Sacred Defense poetry following two modes: the richness of literary poet or poem no more symbolic space, symbol applies, or the atmosphere of the poem is symbolic. In this case, to achieve meaning and correct image of poetry, symbols must be considered in relation to each other. White symbol frequency Sacred Defense poetry lot of black icons (to induce positive meanings of concepts) and to visualize concepts around two axes of good and evil in contrast to many of the white symbols are symbols of black or symbolic texture creation or evolution their meaning.

Keywords: symbol, symbolism, poetry, stability, Holy defense

1- PhD student in Persian language and literature at Alzahra University

2- Professor of Persian language and literature at Alzahra University

۱- مقدمه

«نماد» از اصطلاحاتی است که روانکاوان و روانشناسان، دین‌شناسان و محققان پدیدارشناسی دینی، پژوهشگران عرصه‌های عرفان و تصوف، اسطوره‌شناسان و هنرمندان مختلف، تعاریفی از آن ارائه کرده و از منظر خود به آن نگریسته‌اند. همین فراگیری، ارائه تعریفی جامع و مانع از نماد را دشوار می‌کند. در فرهنگها و لغتنامه‌ها معانی متعددی برای آن ارائه شده که نظر به همخوانی و قرابت با معانی اصطلاحی رایج امروز نماد در ادبیات و هنر، مناسبترین و جامعترین تعریف لغوی را صاحب آندراج عرضه کرده است که نماد را در مفهوم متعدی و به معنای فاعلی آن، یعنی «ظاهرکننده» و «نشان‌دهنده» آورده و دهخدا نیز در لغتنامه عیناً عبارت آندراج را پذیرفته و شاهد مثال را نیز از همان مأخذ نقل کرده است. (لغتنامه، دهخدا: ذیل نماد) اگرچه همه افرادي که به تعریف نماد پرداخته‌اند به گنگ بودن و کامل نبودن تعاریف خود اعتراف کرده‌اند، اما در میان تعاریف ارائه شده، نقطه مشترکی وجود دارد و آن عبارت است از این که سمبل و نماد باید معنایی فراتر از معنای ظاهری داشته باشد. سردرگمی و تشویش در تعریف نماد نشانگر این مطلب است که: «نماد عنصری سرکش و غیرقابل تعریف است و تأمل و تلاش هرچه بیشتر برای تعریف نماد، فقط به ناگشودگی، بی‌کرانگی و عروج بیشترش مدد می‌رساند.» (نظری بر نمادشناسی و اختلاف و اشتراک آن با استعاره و کنایه، قبادی: ص ۳۴۷) یونگ می‌گوید: «سمبل دارای جنبه ناخودآگاه وسیعتری است که هرگز به طور کامل توضیح داده نشده و کسی هم امیدی به تعریف آن ندارد.» (انسان و سمبله‌ایش، یونگ: ص ۲۴) ناتوانی زبان معیار جهت انعکاس اندیشه‌های غامض عرفانی، گریز از بیان مستقیم اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی و سرانجام دغدغه مشارکت خواننده در جریان خلق آثار ادبی، انگیزه‌های اصلی گرایش به نماد و نمادپردازی است؛ بنابراین از دیرباز نماد و نمادپردازی در ادب فارسی، بویژه در گستره شعر فارسی، ظهور و بروز ویژه‌ای داشته‌است. در ادبیات کلاسیک فارسی نمادها بسیار نادر و انگشت‌شمارند و بیشتر محدود به متون عرفانی میشوند؛ زیرا عرفا بخشی از حقایق عرفانی را به ملاحظات مختلف به شکل نمادین بیان میکردند. حافظ معروفترین شاعریست که به ملاحظات اجتماعی، بخشی از انتقادهای اجتماعی خود را در قالب نماد بازنموده است. در یک تقسیم‌بندی کلی میتوان تشبیه را مشخصه اصلی سبک خراسانی، استعاره را ویژگی اصلی سبک عراقی، تمثیل را شاخصه بارز سبک هندی و نماد را جزو ملاحظات برجسته ادبیات معاصر قلمداد نمود.

در ادبیات معاصر، علاوه بر عوامل مذکور، ظهور و بروز مکاتبی که گرایش خاص به ابهام دارند، توجه به نمادپردازی را افزون کرده است، تا جایی که امروزه نماد به یکی از عناصر اصلی شعر معاصر مبدل شده و بدون تأویل و تفسیر آن، فهم شعر ناممکن است؛ در

واقع شاعران، پس از نیما، دریافتند که خواننده معاصر از ساده‌گویی و ساده‌اندیشی دلزده می‌شود. این تفکر، شاعران را واداشت تا در پاسخ به کثرت‌گرایی معنایی و ساده‌گریزی خواننده، به سخن نمادین روی آورند؛ یعنی به وسیله گسترده‌ی حوزه مفهومی و توان بی‌مانند تداعی‌انگیزی نماد و افزونی امکانات و قابلیت‌های معنایی در لفظی اندک، به سمت یکی از اغراض هنر، یعنی «ابهام» متمایل شوند. در پی این روند، انواع نماد به شعر راه یافت و خواننده را بر آن داشت تا برای درک و فهم شعر معاصر و کنار زدن پرده‌های ابهام، انواع نماد را بر اساس معیارهای مختلفی همچون وسعت و شمول، جایگاه نماد در اثر، سیر تاریخی و طبیعی، پیوستگی با تفکر و اندیشه، پیوستگی با حوزه‌های علوم، ارزشهای بنیادی و تکوینی، جنس پدیده‌ها و موضوعات و... مورد شناسایی قرار دهد و روز به روز به دنبال شناخت انواع دیگری باشد؛ اما این، برای برقراری ارتباط با نمادهای معاصر و فهم شعر، کافی نیست؛ چراکه عناصر نمادین که در سراسر تاریخ شعر فارسی، مفاهیم خاص یافته‌اند، چندان که هر فارسی‌زبان، هرچند ارتباط کمی با شعر داشته باشد، میتواند آنها را دریابد و گاه در مناسبات روزمره خود از آنها بهره‌گیرد، ناگهان در شعر نیما، سیما و سیرتی دیگر پیدا میکنند و مفاهیمی را دربرمیگیرند که بیش از هر چیز حاصل نوعی جهانبینی ویژه است؛ مفاهیمی که خاص اندیشه و نگاه اجتماعی - سیاسی او به نظام هستی است؛ با وقوع انقلاب و جنگ و حوزه جدیدی به نام ادبیات پایداری، این اندیشه‌ها و نگاه‌ها با شکلی جدید و دیگرگونه در شعر و بالتبع در آیین نمادها منعکس شدند؛ بنابراین با توجه به اختلاف و تفاوت و حتی تقابل معنایی در نمادهای شعر کلاسیک و شعر معاصر، برداشت و تلقی خوانندگان در دریافت و معنایی نمادها، نباید مستقل از بافت و اقتضای حال باشد.

۱-۱ طرح مساله

یکی از ویژگیهای شعر معاصر عموماً و شعر دفاع مقدس خصوصاً، نمادگرایی است. نظر به اینکه شعر این حوزه، غریب و مهجور مانده و کمتر به بررسی نمادهای آن پرداخته شده است، لازم است با تأمل و غور در این نمادها به معانی پنهان آنها پی ببریم و از لذت ادبی آن بهره‌مند شویم. بدیهی است این سؤال مطرح میشود که در این حوزه از شعر چه نوع نمادهایی یافت میشوند و چه ویژگیهای خاصی دارند؟ پاسخ به این سؤال میتواند افق تازه‌ای را برای فهم شعر جنگ در برابر دیدگان علاقه‌مندان و مخاطبان بگشاید. اهمیت این مسأله پژوهشگر را بر آن داشته تا نمادپردازی را در هفده کنگره شعر دفاع مقدس و اشعار چند شاعر برجسته در این حوزه (سلمان هراتی، حسن حسینی و طاهره صفارزاده) مورد بررسی قرار دهد و از این طریق مقدمات، شناسایی نمادهای شعر جنگ و بالطبع انس با آنها را فراهم آورد.

۲-۱ پیشینه تحقیق

۱. پیرامون نماد و نمادگرایی ادبیات معاصر در سالهای اخیر پژوهشهایی انجام گرفته که اهم آنها عبارتند از:
۲. پایان نامه نماد و تعبیر نمادین در شعر معاصر فارسی از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۶ با تکیه بر آثار پنج تن از شاعران این دوره: احمد رضایی جمکرانی
۳. پایان نامه بررسی نماد و نمادگونه‌ها در شعر دفاع مقدس: مهدی سعادت
۴. مقاله بررسی و تأویل چند نماد در شعر معاصر: تقی پورنامداریان، ابوالقاسم رادفر، جلیل شاکری
۵. مقاله نماد و نقش مایه‌های نمادین در داستانهای کودک و نوجوان دفاع مقدس: محمدرضا صرّفی، فاطمه هدایتی
۶. مقاله نمادپردازی در شعر پایداری دفاع مقدس: یحیی معروف، عاطی عبیات
۷. مقاله دگردیسی نمادها در عصر معاصر: تقی پورنامداریان
۸. مقاله بررسی و تحلیل آرایه نماد در سروده‌های قیصر امین‌پور: علی محمدی، جمیله زارعی
۹. مقاله نماد از دیدگاه ابهام: محمدرضا یوسفی، صدیقه رسولیان
۱۰. مقاله نمادپردازی در چند شاعر شعر نو و مقایسه آنها با هم: محسن ذوالفقاری، حجت الله امیدعلی.

این پژوهش در نظر دارد انواع جدیدی از نمادهای شعر دفاع مقدس - هم به لحاظ ساختاری و هم معنایی - که در پژوهشهای فوق به آنها پرداخته نشده، معرفی کند و کیفیت به کارگیری آنها را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.

۲-۲ ادبیات پایداری

عنوان ادبیات پایداری معمولاً به آثاری اطلاق میشود که تحت تأثیر شرایطی چون اختناق و استبداد داخلی، نبود آزادیهای فردی و اجتماعی، قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی با پایگاههای قدرت، غصب قدرت و سرزمین و سرمایه‌های ملی و فردی و... شکل میگیرند. بنابراین جانمایه این آثار با بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و ایستادگی در برابر جریانهای ضد آزادی است. صرف‌نظر از ویژگیهای کلی این نوع ادبیات، آنچه وجه ممیزه آن از سایر مقوله‌های ادبی است، در پیام و مضمون آن نهفته است. بدین معنا که آثاری از این دست اغلب آینه دردها و مظلومیت‌های مردمی هستند که قربانی نظامهای استبدادی شده‌اند. این آثار ضمن القای امید به آینده و نوید دادن پیروزی موعود، دعوت به مبارزه و ایستادگی در برابر ظلم و ستم، ستایش آزادی و آزادگی، ارج نهادن به سرزمین مألوف و شهیدان و جانبازان وطن

را در بطن خود دارند. در کشور ما انقلاب اسلامی و جنگ هشت ساله با گذشت تنها چند دهه، تحولاتی عظیم در عرصه ادبیات منظوم به جای گذاشت، به گونه‌ای که نظاره‌گر تحولات آشکار در سبک شعر این دوران هستیم. اگر چه نام سبکی خاص و مشخص برای شعر انقلاب و دفاع مقدس در نظر گرفته نشده است و حتی برخی آن را فاقد سبکی آشکار میدانند، با این حال ویژگیها و خصوصیات متعددی در این نوع شعر به چشم می‌خورد که آن را زیر مجموعه ادبیات پایداری قرار میدهد.

۲-۱- دو ویژگی کلی ادبیات پایداری

۱. بهره‌گیری از نماد. در اشعار پایداری نمادپردازی برای علل مختلفی صورت می‌گیرد:

الف. حاکمیت فضای اختناق و تهدید و ارباب

ب. ایجاز و قدرت در رساندن مقصود

ج. ابهام‌آفرینی، عمق‌بخشی و جستن راهی برای غنای هنری و ادبی از مسیر

نمادپردازی یا آشنایی‌زدایی از نمادهای پیشین

د. القای مفاهیم غیرقابل توضیح

۲. چهره انسانی عام داشتن. نمونه‌های شاخص و برجسته ادب پایداری هرچند نموده‌ها و نمادهای قومی، منطقه‌ای و ملی را در خویش دارند، اما به دلیل آنکه زبان وجدان عام بشری هستند، همه انسانها در هر زمان و مکان میتوانند با آنها ارتباط درونی بیابند. به دیگر زبان ادبیات پایداری، فرازمانی و فرامکانی است و هرکس در همه‌گاه و همه‌جا میتواند در آیین آن آثار خود را بیابد یا چهره سیاه زشتکاران و اندوه‌نشسته بر چهره دردمندان و شکوه ایستادن و ستیز با بیدادگریها را در آنها تماشا کند.

۲-۲- شاخصه‌های فکری و محتوایی ادبیات مقاومت

۱- ترسیم چهره رنج‌کشیده و مظلوم مردم

۲- دعوت به مبارزه

۳- بیان جنایتها و بیدادگریها

۴- توصیف و ستایش جانب‌باختگان و شهیدان

۵- القای امید به آینده و پیروزی موعود

۶- ستایش آزادی و آزادگی

۷- ستایش سرزمین خود (ادبیات پایداری، سنگری: سایت سوره مهر)

۳- تعریف نماد

در این پژوهش برای مشخص شدن چارچوب کار، باید نماد را به عنوان یک مقوله ادبی تعریف کنیم: نماد از منظر علوم بلاغی کلمه‌ای است که علاوه بر معنای ظاهری، طیف

معنایی گسترده‌ای به خواننده القا کند؛ عمل به کارگیری یا شیوه به کار بردن، پردازش و تبدیل مفاهیم به نماد را «نمادپردازی» گویند؛ در واقع نمادپردازی، مجموعهٔ مراحل و تبدلات فرآیند تکون یک ساختار نمادین است؛ با این توصیف نمادپردازی در برابر «Symbolization» قرار میگیرد. (آیین آیین، قبادی: ص ۴۴) بنابراین چندمعنایی بودن و ابهام از ویژگیهای متون نمادگراست.

۳-۱- علل نمادسازی و نمادپردازی

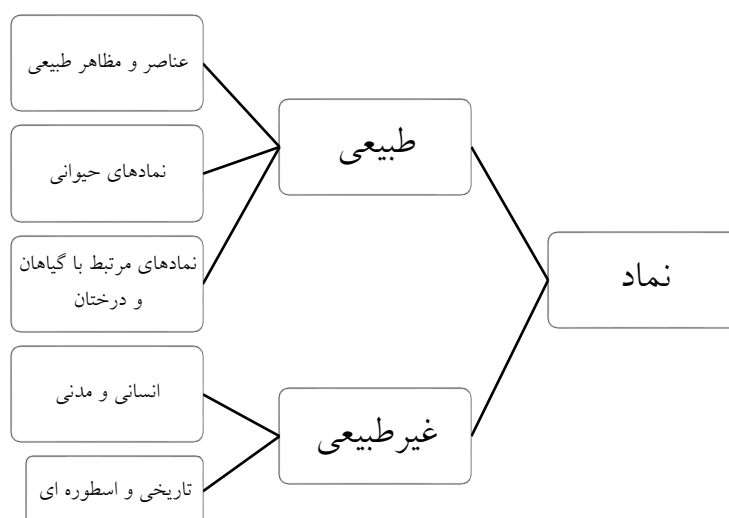
انگیزه‌ها و عوامل گرایش به نماد را میتوان چنین برشمرد:

۱. انسان زمانی که به بیان دریافتهای خود از جهان دیگر یا جهان ماورای حس میپردازد، به همان اندازه که شناختنش به طریق علمی دشوار است، بیانش نیز دشوار مینماید؛ به همین دلیل در بیان معرفت خویش ناچار از زبان نمادین سود میبرد. (رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی، پورنامداریان: ص ۳۵)
۲. دلیل دوم، غیرقابل تعریف بودن برخی مفاهیم است. (همان: ص ۳۶)
۳. نماد باعث میشود که ما بر اثر کاوش ذهنی سعی کنیم آن را حدس بزنیم و این، لذت کار را دوچندان میکند. (طلا در مس، براهنی: ص ۶۶۷)
۴. وفور معنایی که شاعر و نویسنده را در خود گرفته، باعث می‌گردد شاعر به زبانی پناه ببرد که به نوعی حق همه مفاهیم و ذهنیاتش را ادا کند و بهترین طریق، همان نماد و زبان نمادین است. (نماد و تعبیر نمادین در شعر فارسی، رضایی جمکرانی: ص ۱۲)
۵. زبان نمادین، زبان جهانی است که بین همه انسانها شایع است. (همان)

۳-۲- انواع نماد از دیدگاه اجزا و عناصر تشکیل دهنده

شناخت و کاربرد نمادها در ادبیات و همهٔ هنرها، کاری ژرف، گسترده، ظریف و پیچیده است، تا حدی که نمادگرایی یکی از پیچیده‌ترین، عمیق‌ترین، گسترده‌ترین و شاید زیباترین شیوه‌هایی است که انسان به کمک آنها احساسات، عقاید، اندیشه و خیال خود را به صورت «هنر» می‌آفریند و چون گاهی شاعر بنا به مقتضیات زمانی و مکانی، امکان صراحت زبانی را ندارد، ناگزیر است برای آگاهی بخشیدن به جامعه و ترسیم اوضاع جامعهٔ خویش و گاهی تشریح احوال درونی خود، از عناصر مختلفی مدد بگیرد تا بتواند آن عناصر را بستری برای سخنان رمزآلود و پوشیدهٔ خود قرار دهد. عناصری را که شاعر از آنها به عنوان نماد بهره میگیرد در شعر معاصر میتوان به دو دستهٔ طبیعی (مرتبط با طبیعت) و غیرطبیعی (غیر مرتبط با طبیعت) تقسیم نمود که خود شامل شاخه‌های فرعی دیگری میشوند. گرچه بسیاری از نمادها به دلیل کاربرد فراوان بخصوص در ادوار مختلف شعر

جنبه نمادهای مبتذل به خود گرفته است ولی نحوه کاربرد و معانی جدیدی که شاعران دفاع مقدس بر آن حمل کرده‌اند از آنها نوعاً نمادهای بدیع و نوی ساخته است. نمودار ذیل این کاربرد را در شعر دفاع مقدس نشان می‌دهد.



از میان شاخه‌های ارائه شده، تنها نمادهای انسانی هستند که باید تعریف شوند و دیگر شاخه‌های مطرح شده، بنابر نامگذاریشان کاملاً بدیهی و بی‌نیاز از تعریف و توضیح هستند؛ بنابراین به ذکر یک مثال از هر کدام بسنده می‌کنیم:

• سحر (مثال برای عناصر و مظاهر طبیعی)

حسن حسینی در شعر «یادگاری» با بیانی سهراب‌گونه، از بایدهایی صحبت می‌کند که نشانگر ایده‌آل‌های اوست: در مقابل شب، آمدن سحر را نوید می‌دهد، در مقابل غروب، از طلوع سخن می‌گوید و مهمتر از همه در آخر شعر، به تعارف کردن جرعه عشق به یکدیگر و صمیمی شدن دعوت می‌کند. در بند اول شعر اگرچه تصویر «روی پیشانی شب چیزی نوشتن» تصویری مجازی است و ما را از نزدیک شدن به نماد منصرف می‌کند، اما بلافاصله جمله «سحر در راه است» بار نمادین را به شعر برمیگرداند:

باید امروز قلم برداریم

و به پیشانی شب بنویسیم

سحر در راه است (همصدا با حلق اسماعیل، حسینی: ص ۹۹)

• اسب (مثال برای نمادهای حیوانی)

نمادپردازی «اسب» بسیار پیچیده است و بیش از حد معینی، قابل تعریف نیست. برخی آن را به معنای آرزوهای شدید و غرایز و برخی هم ظهور ناگهانی یک «اسب» را نشانه جنگ میدانستند. «در آلمان و انگلستان، خواب دیدن «اسب سپید» پیشگویی مرگ

انگاشته میشد. یادآوری میشود که اسطوره بزرگ و نماد و پیکر که به صورت یک جفت، یا یک دو قلو یا به شکل یک جانور دو سر، یا به شکل میمونهای انسان گونه، با چهار چشم و چهار بازو و مانند آن ترسیم شده است، گاه نیز به شکل «اسبی» نمادین، بویژه یک جفت «اسب» سپید و سیاه - نشانه مرگ و زندگی - ترسیم میشود. با توجه به این که «اسب» وابسته به طبیعت، به ناخودآگاه و به حوزه غرایز است، شگفت نخواهد بود که در روزگار باستان، اغلب آن را دارای نیروی غیبگویی میدانستند. «اسب» در حکایات اخلاقی و افسانه‌ها، به سبب داشتن بصیرت، اغلب نقش هشدار دادن به هنگام به اربابان خود را داراست. یونگ بر آن است که شاید «اسب» نمادی از مادر باشد و بیدرنگ تأکید میکند اسب، مبتین وجه اسرارآمیز انسان، یعنی «مادر درونی» یا دریافت درونی و اشراقی انسان است. این باور که نعل «اسب» خوشبختی می‌آورد، برگرفته از طبیعت جادویی «اسب» است. از جهت سرعت، میتوان گفت «اسب» بر باد، کف دریا و نیز بر نور و آتش هم دلالت میکند و در برخی جاها به عنوان نماد کیهان آمده است. «(فرهنگ نمادها، سرلو: ص ۱۳۲- ۱۳۴) علاوه بر اینها، نماد پاکی، نجابت، آزادی، اندام زیبا، پایداری، حرکت، خیره‌سری و سرسختی هم هست. در نمونه‌ای که سلمان هراتی در شعر «در خلوت بعد از یک تشییع» به کار برده، «اسب» علاوه بر ادراک اشراقی، میتواند نماد روح، چشم، وسیله، فطرت باشد:

باید گذشت

باید عطش و سنگلاخ را تجربه کرد

آسایش را مقصد دورمان میدارد

اسب من به آسمان نگاه میکند

مردان جبهه چه حال و هوایی دارند

چه سربلند و با نشاط می‌ایستند

برویم سربلندی بیاموزیم (مجموعه کامل شعرهای سلمان هراتی، هراتی:

ص ۸۵-۸۶)

• جنگل (مثال برای نمادهای مرتبط با گیاهان و درختان)

مردان جبهه چه حال و هوایی دارند

چه سربلند و بانشاط می‌ایستند

برویم سربلندی بیاموزیم

آی با شمایم

چه کسی دوست دارد صاحب آسمان باشد؟

بیا

برای هواخوری

به جنگلهای مجاور جبهه پناه ببریم (همان: ص ۸۶)

«جنگل» میتواند نماد اندیشه و ذهن، عظمت و بزرگی، کشور و سرزمین، غرور، جامعه و زندگی اجتماعی و سرسبزی همیشگی آن، نماد تداوم زندگی باشد؛ اما با توجه به مضمون و محتوای این شعر که در مورد جبهه و جنگ است، «جنگل» نماد جای دور از جنگ، تفریحگاه و جایی است که از دور دستی بر آتش دارد.

• نمادهای انسانی: هنگامی که شاعر از اجزا، عناصر و اموری که مرتبط به انسان یا ساخته دست او هستند، برای نمادسازی استفاده میکند، «نمادهای انسانی یا مدنی» را به کار گرفته است؛ به عنوان مثال آئینه، ساخته دست انسان و از مظاهر مدنیت اوست؛ بنابراین ذیل نمادهای انسانی یا مدنی قرار میگیرد و میتواند نماد تخیلات، خودآگاهی، تأملات، خاطرات ناخودآگاه، انسان پاک و مؤمن، قلب و دل، انسان از آن جهت که مظهر صفات و اسماء خداست، صفا و یکرنگی، پاکی و خلوص، حقیقت، یگانگی، پیر، ولی، فرشته، شهید و خدا باشد.

آیین ما حفاظت آئینه است
از سنگهای فتنه بدکاران
(هشت فصل عشق، ملاهویزه: ص ۸۳)

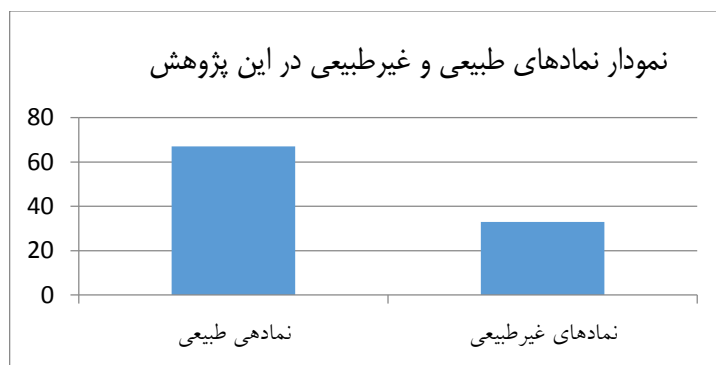
شیاطین (مثال برای نمادهای تاریخی و اسطوره‌ای)

در قرن ما
حتی مرگ پرنده
در میانه آوازش
نقشه مرموزی از پی دارد
و او که میدانست
که اتحاد شیاطین
جداگر نهانی ملتها

نگونگر نظام هویتهاست (دیدار صبح، صفارزاده: ص ۲۸)

«شیاطین» نماد سیاست‌بازان، نظام سلطه و استکبار، سران ظلم و ستم و اهل نفاق است.

حاصل بررسی نمادها از دیدگاه اجزا و عناصر تشکیل‌دهنده در این پژوهش، ابتدا نموداری است که بسامد نمادها را در دو دسته کلی طبیعی و غیرطبیعی نشان میدهد و سپس جدولی است که انواع نمادها را ذیل دسته بندیهای جزئی آن معرفی مینماید.



عناصر و مظاهر طبیعی	نمادهای حیوانی	نمادهای مرتبط با گیاهان و درختان	نمادهای انسانی و مدنی	نمادهای تاریخی و اسطوره ای
آب	اسب	جنگل	آیین	ابوذر
آسمان	پرستو	درخت	پرچم	حسین
آفتاب	پرند	سرو	پنجره	حلاج
ابری	پروانه	سوسن	تنفس	رستم
اقیانوس	چلچله	سیب/سیب سرخ	چراغ	سربداران
باران	خفاش	شاخه	چلچراغ	سهراب
باغ	سینه سرخ	شب بو	حصار	سیاوش
بهار/بهاران	کبوتر	شقایق	دینار	شیاطین (شیطان)
پاییز	کفتار	شمشاد	دیوار	فرعون
پرواز	ققنوس	صنوبر	شمع	عمار
چشمه	قناری	لاله/ لاله زار		یزید
دریا		یاس		یوسف
سبز				

ستاره				
سحر				
سرخ				
سنگ				
صبح				
غبار				
نور				

۳-۳- نماد از دیدگاه معنایی

همانگونه که تا کنون ذکر آن گذشت، ازجمله عناصر با اهمیتی که در شعر میتواند به پویایی و تلاش ذهنی خواننده کمک کند و باعث بسط و گسترده‌گی معنا و مفهوم شود، نمادسازی است. گاهی شاعر از هر امری برای بیان غیر مستقیم و پوشیده کمک میگیرد و در واقع خود به ساختن سمبلها میپردازد؛ لذا از واژه‌های بهره میگیرد که در وهله ابتدایی خواننده نتواند به آسانی از جنبه نمادین آن آگاهی یابد؛ اما خواننده آگاه میتواند هرچند با عدم حضور قرینه لفظی و واژه‌های، با بذل توجه بیشتر و در نظر گرفتن محتوا و مکان و زمان سرایش آن قطعه شعری، به معانی متنوع آن واژه پی ببرد.

اگرچه تقسیم‌بندی‌هایی که به لحاظ معنایی در مورد نماد ارائه میشوند، متنوع و البته درخور توجه هستند، اما میتوان دو گروه اصلی و بزرگ در حوزه معنا برای نمادها در نظر گرفت: نمادهای سفید و نمادهای سیاه. این تقسیم‌بندی، کلی و بر اساس بار مثبت و منفی نمادهاست؛ بنابراین نمادی را نمیتوان یافت که ذیل یکی از این دو عنوان قرار نگیرد و البته این مسئله مانع از آن نیست که نمادهای مثبت و منفی در عین حال ذیل گروههای دیگری از نمادها باشند. نمونه:

عشق تا سمت پریشانی شب می‌آید
کسی انگار به مهمانی شب می‌آید
بام بیتاب شود مست ز جا برخیزد
آسمان عرصه جولان کیوتر بشود

(زخم سیب، اسرافیلی: ص ۲۱۷)

«کیوتر» یک نماد حیوانی است و چون حاوی معانی مثبتی همچون روح، زندگی، دوستی، مهر و محبت، صلح و صفا، آزادی، روحانیت و نیروی تعالی و عروج، فراوانی، بخشش و خوشبختی است، نماد سفید محسوب میشود.

باید توجه داشت که اگرچه این نوع تقسیم‌بندی در گستره نمادها بی‌سابقه است اما اهمیت طرح و بررسی آنها بیشتر به جهت مطالب و نکاتی است که ذیل آن عنوان میشود و تحولات و نتایج جدیدی را پیرامون نمادها در شعر دفاع مقدس خاطر نشان میکند:

۳-۴ تقابل نمادهای سیاه و سفید

بررسی نماد در شعر معاصر و از جمله شعر دفاع مقدس نشان میدهد که به کارگیری نمادها، از دو حالت خارج نیست:

الف. شعر فضای نمادین ندارد و شاعر در کنار بهره‌گیری از صورخیال دیگر، جهت غنای ادبی بیشتر، نماد را هم به کار میگیرد.

ایستاده‌ایم

در پای پرچم

در پای پرچم هیهات

هیهات منالذله

و پرچم ایستاده

زیر پرچم حق

سردار و سربلند

و ایستادگی ما

به ایستادگی پرچم

در زیر پرچم است

(روشنگران راه، صفارزاده: ص ۸۶)

طاهره صفارزاده در این شعر، «پرچم» را به عنوان نمادی برای هدف، ارزش، اعتقاد، شعار، وحدت ملی یا ملی‌گرایی و عشق به وطن آورده است.

ب. فضای حاکم بر شعر، فضایی نمادین است و برای رسیدن به معنا و تصویر درست از شعر، نمادها باید حتماً در ارتباط با هم در نظر گرفته شوند.

ای شکیبایی شکوهمند

چندین تابستان است

که در خون و آفتاب میرقصی

کجای زمین از تو عاشقتر است

ای چشم‌انداز روشن خدا

در کجای جهان

این همه پنجره برای تنفس باز شده است

(مجموعه کامل شعرهای سلمان هراتی، هراتی: ص ۱۹)

شاعر نماد «تنفس» را در ارتباط و تناسب با نماد «پنجره» به کار گرفته و توانسته چندین معنای سیاسی و اجتماعی همچون آزادی، انتقاد، عدالت، شرایط مطلوب، ارتباط و فعالیتهای سیاسی را به زیبایی القا کند و وطن خود را آنگونه که شایسته است به تصویر بکشد.

نمادهای سفید در اشعار دفاع مقدس بسامد زیادی نسبت به نمادهای سیاه دارند که البته در جهت القای معانی و مضامین مثبت به کار گرفته میشوند، اما با این وجود برای تصویرسازی مفاهیم حول دو محور خیر و شر که از بنیانهای اساسی شعر پایداری محسوب میشود، بسیاری از این نمادهای سفید در تقابل نمادهای سیاه و در بافتی نمادین خلق میشوند. بر این اساس اگرچه به کارگیری نمادهای متقابل در دیگر حوزه‌های شعری امکانپذیر است اما باید از مؤلفه‌های اصلی شعر پایداری و از جمله دفاع مقدس محسوب شود.

شانه‌ها جا پای خون‌آلود زنبقهای شهر

وارث تابوت احساس بنی‌آدم نبود

حرمت آیین را هم عاقبت خواهد شکست

سنگ نیسانی که دیدیم این حوالی کم نبود

(نخلهای تشنه، اثباتی: ص ۸۰)

«آیین» نماد انسان پاک و مؤمن، قلب و دل، صفا و یکرنگی، پاکی و خلوص، حقیقت، پیر، شهید و... است و «سنگ» طیفی از معانی متقابل آن را القا می‌کند.

عالم همه خاک کربلا بایدمان

پیوسته به لب خدا خدا بایدمان

تا پاک شود زمین ز ابنای یزید

همواره حسین(ع) مقتدا بایدمان

(همصدا با حلق اسماعیل، حسینی: ص ۱۰۹)

از دیگر نمونه‌های پرکاربرد این نوع تقابل میتوان به شب و چلچراغ (چراغ)، غبار و باران، غبار و آیین و خفاش و آفتاب اشاره کرد.

۵-۳ تحول و گسترش معنایی نماد

نمادها این قابلیت را دارند که در مسیر زمان و تاریخ و تحت تأثیر جریان‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تغییر کرده، دچار پوست‌اندازی معنایی شوند. شاعرانی که از استقلال

فکری و توانایی ابتکار بهره‌مند هستند، نمادها را مواظبت کرده، آن‌ها را از ابتذال و روزمره-گی و حتی مرگ نجات می‌دهند. نمادها به عنوان بستر مساعد برای تولید معنی، از طریق تأویل همراه با تحول ذهنی و تغییر تجربه‌های ما از پیرامون خود، متحول میشوند و مثل انسانها، جامعه خود را با تغییر وضع، عوض میکنند و حیات و مرگ دارند. بعضی از نمادها برای مدتی متروک میشوند ولی بار دیگر جان میگیرند و اهمیت پیدا میکنند و بعضی نیز برای همیشه با تحول کلی اوضاع جامعه، مهجور میشوند، به طوریکه خواننده قادر به برقرار کردن ارتباط با آنها نیست. بعضی نیز ضمن ادامه حیات، در وضعیتی جدید و نگاهی تازه در معانی و مفاهیم جدید به کار میروند. (دگردیسی نمادها در شعر معاصر، پورنامداریان و خسروی شکیب: ص ۱۶۱) نمادهای شعر دفاع مقدس نیز از این قاعده مستثنی نیستند و تحول و گسترش معنایی را میتوان در هر دو گروه نمادهای سفید و سیاه مشاهده کرد:

آب: یکی از نمادهای طبیعی است که میتوان در آن آمیزشی از تغییر و ثبات، حرکت دائم و در عین حال پایداری را مشاهده کرد. «آب» نماد آرامش، ملایمت، مداومت، آسودگی، صلح، هستی، هستی‌بخشی، پاکی و پاک کنندگی است. (درآمدی بر نمادپردازی در ادبیات، صرفی: ص ۱۶۳) در روند تحول و گسترش معنایی نمادها، مفاهیم تازگی، رویش، صفا و صدق و راستی، حقیقت و روشنی و در بعضی موارد شهید و شهادت بر آن افزوده شده است.

در سایه‌های قافیه ماندیم یاران به آفتاب رسیدند

در این کویر خشک عطشناک مردان ما به آب رسیدند

(شقایقهای اروند، بیگی حبیب آبادی: ص ۱۹۰)

حصار/ دیوار: دارای مفاهیم گوناگونی است و بستگی دارد که کدام ویژگی آن را بنیاد قرار دهیم. «در نظام هیروگلیف یا خط تصویرنگار مصریان، «دیوار»ی که فضایی را محصور کند، «دیوار اندوه» و نماد آن است که جهان خود غاری است؛ و این نماد، برگرفته از اصول اعتقادات درون‌گرایی یا اندیشه‌های مابعدالطبیعی و حاکی از دسترس ناپذیر بودن فضای بیرون است. این نماد، مبین ناتوانی، تعلل، مقاومت یا یک وضعیت محدود است؛ اما «دیوار»ی که از درون نگرسته شود، بر مفهوم «حمایت» دلالت میکند. برخی «دیوار» را نمادی اسرارآمیز و مبین عنصر تأنیث نوع بشر میدانند. (سرلو، ۱۳۸۹: ص ۴۲۶) اما بر اثر گذشت زمان و ایجاد تغییرات معنایی نمادها، مفاهیمی همچون مرز دنیای ناخودآگاهی و درون، مانع ارتباط، حجاب بین خدا و انسان، دنیا و تعلقات آن، مانع شادی و آزادی و نور، دغدغه‌ها و مشکلات، آرزوها و امیال، مخالفان، جهل و نادانی، خفقان شدید، هر نوع زندان، جسم، ظلم و ستم و فضای سانسور به عنوان طیف معنایی نماد حصار/ دیوار در نظر گرفته میشود.

اگرچه عمر تو در انتظار میگذرد
 دل فقیر من! این روزگار میگذرد
 بهار فرصت خوبی است گلفشانی را
 به میهانی گل رو بهار میگذرد
 چه مانده‌ای به تماشای تیرگی و غبار
 همیشه هست غبار و سوار میگذرد
 تمام چشمه دلان از کنار ما رفتند
 اگر نه سنگدلی جویبار میگذرد
 دلی که شوق رهایی در اوست ای دل من
 بدون واهمه از صد حصار میگذرد

(مجموعه کامل شعرهای سلمان هراتی، هراتی: ص ۳۱۲-۳۱۳)

«حصار» در این شعر، نماد دنیا، تعلقات، جسم و جسمانیت و آرزوها و امیال است.

۳-۶- نماد از دیدگاهی دیگر

کلیشه و ابتکار (ابداع)، معیار دیگری است که باعث میشود نماد را از منظر دیگری بنگریم. در کتابهای مربوط به بلاغت، معمولاً از آن با عنوان نمادهای قراردادی یا عمومی و نمادهای خصوصی یا شخصی یاد میکنند. (شمیسا، ۱۳۸۱: ص ۲۱۲) مولفه اصلی در طبقه‌بندی نمادها بر این اساس، تازگی و نیز دشواری در کشف معانی و عدم آن است. پژوهش در گستره مورد بحث نشان میدهد که بیشتر نمادها در چارچوب کلیشه‌ها واقع میشوند (بویژه نماد لاله و کبوتر که بسامد زیادی دارند) با این تفاوت که شاعر با در نظر گرفتن هاله‌ای از معانی جدید، سبب تحول معنایی در نمادها شده و از طریق گسترش مفاهیم، موجب احیای آنها شده است؛ به عبارت دیگر شاعر لباس جدیدی بر نمادها میپوشاند و آنها را در بازار فهم و کنکاش ذهنی مخاطب عرضه میکند، که پیشتر در این باب سخن رفت.

در این جا به دو نمونه از نمادهای ابتکاری که به زیبایی خلق شده‌اند، اشاره میکنیم: استفاده از واژه‌ها در هاله‌ای از معانی مختلف، بیان‌گر هنر نمادپردازی شاعر است؛ اما وقتی شاعری از واژه‌ها و امور خیلی ساده و معمولی و به عبارتی پیش پا افتاده برای القای معانی بزرگ استفاده میکند، حاکی از هنر دوچندان وی است؛ چراکه درک مفاهیم پنهان از این واژه‌ها، دور از ذهن‌تر است؛ لذا پس از کشف آنها التذاذ بیشتری برای خواننده به همراه دارد. «آجیل» هم یکی از این واژه‌ها است که سلمان هراتی در شعر «ترانه‌های بعثت سبز» در نظر دارد با توصیف بهار و زنده شدن دوباره زمین، مخاطب را متوجه «قیامت» و

مفاهیم نزدیک به آن کند؛ از آنجا که هراتی برای نیل به این هدف از میان ملازمات بهار، واژه «آجیل» را که خود به واقع مایه سرگرمی میهمانان در عید است، نمادی برای تعلقات دنیا، خواهشهای نفسانی، سرگرمیها و مشغولیتها، جسمانیت و ... آورده، شعر را لذتبخشتر و محسوستر کرده است:

ما سالهای زیادی بهار را
به گره زدن سبزه
دلخوش بودیم

و هیچ نگفتیم....

ما امروز

وارث دل حقیری هستیم

که ظرفیت تفکر را ندارد

بیا تا دلمان را بزرگ کنیم

می ترسم

آجیلها غافلان کنند

(مجموعه کامل شعرهای سلمان هراتی، هراتی: ص ۶۰)

آن عهد که در جبهه بستیم نگه دار

پیمان مشکن رسم وفا را مبراز یاد

دین را بدل نار مکن از پی دینار

همت کن و آیین ولا را مبراز یاد

(ناگهانهای سرخ، بیگی حبیب آبادی: ص ۵۰)

«دینار» نماد دنیا، جسمانیت، خواهشهای نفسانی و... است.

۳-۷- استعاره‌های نمادنا

استعاره‌هایی هستند که به دلیل تازگی، تردید معنایی، داشتن پشتوانه معانی جدید با توجه به معنای سنتی و داشتن ظاهر استعاره‌ای (یعنی مد نظر نبودن معنای حقیقی و ظاهری) اما معنای مجازی متعدد، خواننده را به مرز شک به نماد میبرند و به طور کلی به دو دسته تقسیم میشوند:

الف. نمادهایی که گره‌گشایی شده‌اند:

گاهی شاعر، نمادی را که به کار برده، تشریح و مفاهیم پنهان آن را آشکار میکنند و یا با قرار دادن عنوانی واضح و روشن کننده، ابهام را برطرف مینمایند؛ در چنین حالتی، حرکت ذهن مخاطب که در رویارویی با یک نماد، درگیر جستجوی معانی و غوطه‌ور شدن

در ابهامات حاصل از آن بوده، کند شده و به مسیر مشخصی هدایت میشود. با توجه به اینکه مفاهیم و تعاریف تئوری در این باب، چندان راهگشا نیستند، سعی میکنیم با مثالها و نمونه‌ها، استعاره‌های نمادنا را بهتر معرفی کنیم.

هشدار که باغ شوره زاران نشود
این خانه مکان لاشخواران نشود
میراث گرانبار شهیدان، هشدار!
بازیچه خیل بی‌تباران نشود

(همصدا با حلق اسماعیل، حسینی: ص ۱۴۰)

بیت دوم، ابهام را از «باغ» در بیت اول برداشته و معنی آن را روشن کرده است. بنابراین «باغ» استعاره از انقلاب و یا امنیت حاصل از فداکاری شهداست.

بهشت اینجاست
لحظه ای بی خویشتن بنشین
و بین خاکی را که
لاله‌ها در خویش پرورانده است

(امواج ارغوانی، شفیعی: ص ۲۴۰)

در این شعر احسان فرجی از نماد پرکاربرد «لاله» استفاده کرده است اما با قرار دادن عنوان «اینجا شلمچه است» برای شعر خود، ابهام موجود در آن را از میان برداشته و تبدیل به استعاره کرده است.

ب. استعاره‌هایی که به نماد نزدیک میشوند:

این گروه به لحاظ بسامدی، قابل مقایسه با گروه اول نیست و تعداد بسیار زیادی از استعاره‌های نمادنا را به خود اختصاص میدهد. این دسته از استعاره‌ها آنهایی هستند که به لحاظ چندمعنایی بودن و ابهام، خود را به نماد نزدیک کرده‌اند و تنها قرینه صارف‌های (که نشان از عدم وقوع خارجی آنهاست) آنها را از نماد شدن باز میدارد.

ای شهر! ای سکوت در آتشفشان رها
لبخند میزنی به تمام جهان رها
از خاک کوچه‌های تو خورشید میچکد
هر گوشه گوشه‌ات شده یک آسمان رها

(روایت چهاردهم، قزوه: ص ۲۶۸)

در این شعر معانی متعددی در «آسمان» نهفته است و این ابهام لازم را جهت نماد شدن دارد اما به دلیل آنکه بافت ظاهری بیت در عالم واقع امکانپذیر نیست و آسمان با معنای واقعی خود در قالب این کلام صدق نمیکند، استعاره نمادنا به شمار می‌آید.

مرد را مرگ زنده خواهد کرد

زخم او را پرنده خواهد کرد

(حماسه قلاقران، اثباتی: ص ۲۱)

در این بیت از شعر «سفر سرخ» شاعر در نظر دارد طیفی از معانی را از طریق «پرنده» به مخاطب منتقل کند، اما چون ظاهر کلام، تحقق‌پذیر نیست، در حد استعاره باقی میماند.

۴- نتیجه‌گیری

آنچه حاصل بررسی نماد در مجموع این پژوهش است، به شرح ذیل می‌باشد:

۱. نمادها از جهت اجزا و عناصر تشکیل دهنده به دو دسته نمادهای مرتبط با طبیعت (شامل عناصر و مظاهر طبیعی، نمادهای حیوانی و نمادهای مرتبط با گیاهان و درختان) و نمادهای غیرطبیعی (شامل نمادهای انسانی و نمادهای تاریخی و اسطوره‌ای) تقسیم میشوند که در شعر دفاع مقدس عناصر و مظاهر طبیعی بیشترین بسامد و کاربرد را داشته‌اند.

۲. از دیدگاه معنایی، نمادهای شعر دفاع مقدس به اعتبار بار معنایی مثبت یا منفی که بر آنها حمل میشود به دو گروه نمادهای سیاه و سفید تقسیم میشوند. بررسی نمادها از این زاویه، نشان میدهد که با وجود این که نمادهای ابتکاری چندانی خلق نشده است، اما هنر شاعران این حوزه در ایجاد تحول و گسترش معانی نمادها (بازآفرینی نمادها) و برجسته نمودن شبکه‌ای تقابلی از نمادهای سیاه و سفید است.

۳. شاعر دفاع مقدس با در نظر گرفتن هاله‌ای از معانی جدید، سبب تحول معنایی در نمادهای کلیشه‌ای میشود، لباس جدیدی بر آنها میپوشاند و در بازار فهم و جستجوی ذهنی مخاطب عرضه میکند؛ به عبارت دیگر گاهی از یک کلمه پیش پا افتاده و یا نمادی تکراری و مبتذل، برای القای معانی بزرگ استفاده مینماید و با القاء مفاهیم پنهان از این واژه‌ها، التذاذ ادبی بیشتری برای خواننده به همراه می‌آورد.

۴. استعاره‌های نمادین یا استعاره‌هایی که به نماد نزدیک میشوند آنهایی هستند که به لحاظ چندمعنایی بودن و ابهام، خود را به نماد نزدیک کرده‌اند و تنها قرینۀ صارفۀ (که نشان از عدم وقوع خارجی آنهاست) آنها را از نماد شدن باز می‌دارد. در واقع این دسته از استعاره‌ها ابهام لازم را جهت نماد شدن دارند و شاعر دفاع مقدس طیفی از معانی را از طریق آنها به مخاطب منتقل میکند، اما در حد استعاره باقی میمانند.

منابع

- آیین آیین، قبادی، حسینعلی. دوم. تهران: مرکز نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس.

۱۳۸۸

- «ادبیات پایداری»، سنگری، محمدرضا. مجله شعر. شماره ۳۹. سایت سوره مهر.

- امواج ارغوانی، شفیعی، سیدضیاء الدین. اول. بندرعباس: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس. ۱۳۸۷
- انسان و سمبل‌هایش، یونگ، کارل گوستاو، ترجمه ابوطالب صارمی. اول. تهران: امیرکبیر. ۱۳۵۲
- بیان، شمیسا، سیروس. نهم. تهران: فردوس. ۱۳۸۱
- حماسه قلاقران، اثباتی، بهروز. اول. ایلام: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس. ۱۳۷۲
- «درآمدی بر نمادپردازی در ادبیات»، صرفی، محمدرضا. فرهنگ (ویژه ادبیات فارسی). شماره ۴۶ و ۴۷. ۱۶۳. ۱۳۸۲
- «دگردیسی نمادها در شعر معاصر»، پورنامداریان، تقی و خسروی شکیب، محمد. پژوهش زبان و ادبیات فارسی. شماره ۱۱. ۱۴۷-۱۶۲. ۱۳۸۷
- دیدار صبح، صفارزاده، طاهره. دوم. تهران: پارس کتاب. ۱۳۸۴
- رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، پورنامداریان، تقی. دوم. تهران: انتشارات علمی فرهنگی. ۱۳۶۷
- روایت چهاردهم، قزوه، علیرضا. اول. کرمانشاه: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس. ۱۳۸۴
- روشنگران راه، صفارزاده، طاهره. اول. تهران: برگ زیتون. ۱۳۸۴
- زخم سیب، اسرافیلی، حسین. اول. ارومیه: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس. ۱۳۸۵
- شقایق‌های ارونند، بیگی حبیب آبادی، پرویز. اول. خرمشهر: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس. ۱۳۷۵
- طلا در مس، براهنی، رضا. ج ۲. اول. تهران: نویسنده. ۱۳۷۱
- فرهنگ نمادها، سرلو، خوان ادواردو، ترجمه مهرانگیز اوحدی. اول. تهران: دستان. ۱۳۸۹
- لغتنامه دهخدا، دهخدا، علی اکبر. چاپ اول از دوره جدید. تهران: دانشگاه تهران. ۱۳۸۵
- مجموعه کامل شعرهای سلمان هراتی، هراتی، سلمان. دوم. تهران: دفتر شعر جوان. ۱۳۸۰
- ناگهان‌های سرخ، بیگی حبیب آبادی، پرویز. اول. دزفول: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس. ۱۳۷۴
- نخل‌های تشنه، اثباتی، بهروز. اول. خرمشهر: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس. ۱۳۷۱

- «نظری بر نمادشناسی و اختلاف و اشتراک آن با استعاره و کنایه»، قبادی، حسینعلی. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد. شماره ۱۱۰-۱۱۱. ۳۴۷. ۱۳۷۴

- «نماد و تعبیر نمادین در شعر فارسی از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۶ با تکیه بر آثار پنج تن از شاعران این دوره»، رضایی جمکرانی، احمد. به راهنمایی: سعید بزرگ بیگدلی. پایان نامه (کارشناسی ارشد). دانشگاه تربیت مدرس. دانشکده علوم انسانی. ۱۲. ۱۳۷۸

- هشت فصل عشق، ملاهویره، سیدنظام. اول. ارومیه: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس. ۱۳۷۳

- همصدا با حلق اسماعیل، حسینی، حسن. دوم. تهران: سوره مهر. ۱۳۸۵